



بسم الله الرحمن الرحيم

مسجد الاقصى و طرح يهودسازي قدس؛ مسئوليت مسلمانان چيست؟!؟

(قسمت پنجم)

(ترجمه)

در بخش قبلي پيرامون جنگ‌هاي صليبي، عليه امت اسلامي بطور عام و عليه مسجد الاقصى مبارك، قدس و اطراف آن بطور خاص سخن رانديم. حالا وقت آنست كه زاويه پنجم اين مبحث را به بحث بگيريم:

دسيسه‌هاي غرب و صهيونست عليه امت اسلامي بعد از خلافت و در دوران قيموميت انگليس

در حقيقت جنگ عليه امت اسلامي بشكل عام و عليه مسجد الاقصى و قدس بشكل خاص بعد از جنگ‌هاي صليبي دوام يافت و متوقف نشد، اما با وجود دست‌آوردهايي كه بعد از وفات صلاح الدين ايوبي به همراه داشت، به سبب اختلاف‌هاي موجود در بين ممالك مختلف به شكل بسيار فجي‌عانه به شكست مواجه شد. سبب و عامل شكست اين جنگ‌ها را مي‌توان؛ قوت مسلمانان و وجود خلافت نام برد؛ خلافتي كه همواره با اين دسيسه‌ها و جنگ‌ها مبارزه مي‌كرد و بطور متعاقب آن‌ها را نابود مي‌كرد، مخصوصاً در دوران ممالك و پادشاهان.

دسیسه‌های شریب و کفری ضد قدس و مقدسات آن و ضد بیت المقدس و اطراف آن بعد از خلافت عثمانی؛ در حقیقت از اواخر دوران خلافت آغاز گردید، اما چنانچه قبلاً بیان داشتیم، این جنگ‌ها بشکل بسیار سخت و آسف‌بار به شکست مواجه شد! و این یکی از دلایل فراخوانی غرب مسیحی و صهیونست جهانی بسوی طرح و پلان‌ریزی بخاطر متلاشی ساختن خلافت بود تا از این طریق بتوانند دسیسه‌های شان را بر ضد بیت المقدس عملی سازند و تا خدمتی برای صهیونست جهانی باشد. بطور کل، صلیبیان در جنگ هفتم صلیبی به فکر حمله به مصر کنانه شدند تا از آن طریق بتوانند به بیت المقدس و شهر قدس راه یابند و این نقشه لویس نهم؛ پادشاه فرانسه و فرمانده این حمله بود، زیرا مصر در طول تاریخ برای سرزمین مبارک قدس همچو زره فولاین بود، اما این جنگ بشکل دردناکی به شکست مواجه شد و با لباس خسران به عقب برگشت و اکثریت سربازان و فرماندهان آن به قتل رسیدند و لویس نهم پادشاه فرانسه نیز اسیر گردید.

این چیزی بود که عملاً در دوران خلافت عثمانی از طریق تلاش‌های مکرر و متعدد بخاطر یهودسازی قدس و تسلط بر شهر قدس انجام پذیرفت، اما سلطان عبدالحمید ثانی با صلابت مانع آن‌ها شد و پلان شان را خنثی و در آخرین تلاش‌های شان؛ زمانی که از سوی رهبرشان هیئتی بسوی وی فرستاده شد و پیشنهاد صهیونست‌ها را برای کمک به دیون دولت عثمانی در عوض کسب اجازه برای ایجاد مستعمره یهودی در فلسطین را عرضه کرد، وی پاسخ منفی خود را طی اظهاراتی بیان داشت: «آقای هرتزل را نصیحت کنید که به این سوی گام دیگری بر ندارد. من نمی‌توانم حتی یک وجب از این سرزمین را بفروشم. این سرزمین به من تعلق ندارد، بلکه از آن مردم مسلمان است. مردم من این سرزمین را با مبارزه و خون آبیاری کرده اند. قبل از آنکه اجازه بدهیم از ما گرفته شود، خون ما آن را خواهد پوشاند. یهودیان میلیون‌ها پول خود را پس انداز کنند، هنگامی که دولت خلافت متلاشی شود، آن‌ها می‌توانند که بدون بها آن را بدست آورند، اما در صورتی که من زنده باشم، دوست دارم که بعوض جدا شدن فلسطین از بدنه خلافت بدنم تکه‌تکه شود؛ اما تا زمانی که در قید حیات باشم؛ چنین نخواهد شد. من اجازه نمی‌دهم که موجود زنده‌ای را کالبد شگافی کنید.»

اینجا بود که بطور جدی به فکر نابودی خلافت شدند تا اهداف شان را عملی سازند و یکی از اهداف شان یهودسازی قدس و اطراف آن و هم‌چنین تمکین و سیطره بر مسجدالاقصی بود. ما در اینجا نمی‌خواهیم که بطور مفصل پیرامون چگونگی فروپاشی خلافت و اعمالی که غرب و هم‌پیمانان آن از میان مسلمانان برای فروپاشی خلافت عثمانی انجام داده اند را بیان کنیم؛ زیرا این خود نیازمند یک بحث مستقل و جداگانه می‌باشد. اما می‌گوییم: خلافت فروپاشید، صلیبیان به هدف و خواسته شان که در توافق‌نامه سایکس‌پیکو و بیانیه بالفور (۱۹۱۷-۱۹۱۶) ترسیم شده بود، رسیدند!

خلافت فروپاشید و بطور کامل در سال ۱۹۲۴ م سقوط کرد، سرزمین‌های مسلمانان بشکل المناک متلاشی شد، فلسطین تحت یوغ استعمار قرار گرفت و چندین سال قبل از فروپاشی تحت قیمومیت انگلیس بود! درست زمانی که انگلیس بشکل رسمی در ۱۹۱۴ م بر مصر مسلط شد. سپس ارتش انگلیس در سال ۱۹۱۷ م به فرماندهی ادموندالنبی از مصر به سمت قدس حرکت کرد، که در نتیجه ارتش عثمانی در برابر ارتش انگلیس به سبب تشمت و پراکندگی در دفاع از مصر در دو حمله پشت‌سرهم و به سبب تحالف و قرار داد با آلمان به شکست مواجه شد. انگلیس قدس را بعد از آنکه عثمانی‌ها به مدت ۴۰۰ سال (۱۵۱۷ م-۱۹۱۷ م)،

در آنجا حاکم بودند و بعد از اعلان تسلیمی، اشغال کرد. اموندالنبی فرمانده ارتش انگلیس بعد از اشغال در وسط شهر ایستاد شد و سخن مشهور خود را ایراد نمود، همان سخنی که حقیقت خواسته‌های غرب صهیونست را در قدس و حقیقت جنگ‌های شان را در سرزمین‌های اسلامی نمایان می‌سازد و نیز حقیقت این خواسته‌ها و آرزوهای شان را تا به زمان جنگ‌های صلیبی اول نمایان می‌سازد، آنجا که گفت: «جنگ‌های صلیبی اکنون ختم شد.» این سخن‌اش خیلی مشابه با سخن هم‌نشین‌اش غورو؛ فرمانده فرانسوی است آنگاه که در سال ۱۹۲۰م. وارد دمشق شد و نزد مقبره سلطان صلاح الدین ایوبی رهبر بزرگ ایستاد و از روی تمسخر و ریشخند گفت: از کینه و حسادت صلیبی بخواب، ای صلاح الدین ما اینجا برگشته ایم! وی قبر را نیز با دو پا خود کوبید و این بدین معنا بود که جنگ‌های صلیبی را از سر گرفته است و بعد از آنکه در قرون وسطی در آنجا شکست خورده بودیم، پیروز گشته ایم.

انگلیس بعد از استعمار فلسطین، بلاوقفه به تنفیذ و اجرای طرحی که قبلاً ترسیم شده بود، پرداخت و کشورهای اروپایی مسیحی در بیانیه بالفور (۱۹۱۷) انگلیس را به سازمان ملل دعوت نمودند و روی هم رفته نتایج ذیل ببار آمد:

۱- قرار گرفتن فلسطین تحت قیمومیت انگلیس؛ این یک دسیسه غربی بود که کشورهای مسیحی کافر بخاطر یهودسازی قدس طرح کرده بودند؛ به گونه که فلسطین در سال ۱۹۲۰م تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت و سازمان ملل آن را در یک تصمیم رسمی در سال ۱۹۲۲م به رسمیت شناخت و این برای اكمال تنفیذ بیانیه بالفور بود. در این بیانیه، غرب تصمیمی گرفت که یهود را به هجرت بسوی فلسطین تشویق می‌کرد؛ به خاطر یهودسازی قدس و ایجاد یک کشور ملی برای شان که اکنون شاهد آنیم.

۲- انگلیس همکاری خود را با سازمان‌های صهیونستی برای تسهیل خرید زمین در فلسطین آغاز کرد تا که سازمان‌های صهیونستی به آسانی به منافع خود برسند و در عین زمان روند هجرت یهود به فلسطین را از کشورهای اروپایی و از بعضی از سرزمین‌های اسلامی آغاز کردند و این روند به همین منوال ادامه داشت تا سرانجام منجر به تأسیس رژیم یهود در سال ۱۹۴۸م شد؛ انگلیس همکاری خود را با سازمان‌های صهیونستی ادامه داد تا آنان بر اراضی وسیعی از فلسطین مسلط شوند و منافع یهود تأمین شود و آنان در آنجا سکونت گزینند، چنانکه به ایجاد گروه‌های مسلح یهودی پرداختند و در عین زمان از مسلح شدن باشندگان اصلی فلسطین مانع شدند. این چنین، سازمان‌ها و گروه‌های صهیونستی (الهاجانات، شتین، واتسل و ارغون... و البالمخ و غیره) مشغول فعالیت بودند و مردم را می‌کشتند و بشکل تدریجی مردم را از سرزمین و دیارشان بیرون می‌راندند و اوضاع به همین منوال تا سال ۱۹۴۸م و تا آغاز ده پنجاه ادامه داشت؛ یعنی تا اعلان تأسیس دولت یهود بر حسب تصمیم بیانیه بالفور.

۳- در جریان قیمومیت انگلیس و سال‌های اندی بعد از آن، یهودیان دست به اعمال وحشیانه زدند که بی‌نظیر و همانند اعمال صلیبیان در جنگ‌های صلیبی اول بر ضد فلسطین بود؛ به گونه‌ای که آنان اکثریت مردم فلسطین را مجبور به ترک خانه و دیارشان کردند و برای آن عده مهاجرین یهودی که از کشورهای دیگر به فلسطین می‌آمدند، آمادگی گرفتند و در کنار این بشکل جدی در بیشتر از یک شهر و یا قریه به اعمال وحشیانه همچو: قتل و بند و کشتار دسته‌جمعی

پرداختند و آبادی‌های ترک شده را نابود کردند و مساکن و اراضی آنرا به دست گرفتند و بسیاری از مساجد را به آغل‌های گاوها و خوک‌ها مبدل ساختند و بعضی‌ها را به انبار، موزیم، رستوران و تفریح‌گاه‌های شبانه تبدیل کردند.

نویسنده: استاد حمد طبیب

مترجم: محمد مزمل